

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رسایات

سال هجدهم، شماره ۶۶، بهار ۱۴۰۳

صفحه ۲۳ تا ۴۲

قانونگذاری در حوزه رمزارزها در ایران: ضرورتها و پیشنهادها

علی تاج الدینی / دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران
نادر مختاری افراتی / استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشکده الهیات دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران (نویسنده مسئول) dr_mokhtariafra@theo.usb.ac.ir

چکیده

فناوری رمز ارز از جمله دستاوردهای اقتصاد دیجیتال و تجارت الکترونیک، می‌باشد که با گسترش دسترس، به رایانه و فراگیری استفاده از آن، جزوی از ابزارهای کاربردی جهان امروز شناخته می‌شود. با وجود این، تأثیرات این فناوری بر اقتصاد دولت‌ها، فرصت‌ها و چالش‌هایی را به وجود آورده است و موضوع دامنه‌ی دخالت و نظارت دولت‌ها در این حوزه را مطرح ساخته است. سؤال اصلی مقاله حاضر این است: بسترهای سیاستی و حقوقی لازم جهت قانونگذاری در حوزه رمزارزها کدامند؟ بر طبق فرضیه‌ی تحقیق، فراهم‌سازی زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری از یک طرف و قوانین مختلف به ویژه در حوزه مالیات، از طرف دیگر، بیش‌نیازهای لازم جهت تحقق این امر می‌باشند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که استفاده از رمزارزها در بازارهای مالی، ایران نیازمند قوانین مدون و کارآمد در این زمینه خواهد بود. از این رو پژوهش حاضر در تلاش است تا ماهیت کلی این فناوری را بیشتر مشخص نماید و در کنار آن، وضعیت مالیات، رمزارزها و اهمیت شناخت آنها در تقنین، به ویژه در قوانین مالیات، را بهتر نشان دهد. روش تحقیق در مقاله حاضر، پژوهش کیفی، از نوع توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها به شیوه‌ی کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند.

کلیدواژه: رمزارز، بیت کوین، سیاست قانونگذاری، قوانین مالیات، فقه

تاریخ تایید: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۲۹

مقدمه

در جهان پهناور امروز، بسیاری از مفاهیم سنتی با ظهور اینترنت دستخوش تغییر شده‌اند و اقتصاد یکی از مهمترین جنبه‌های این تغییر بوده و خواهد بود. تجارت مبتنی بر شبکه‌ی اینترنت که شاخه‌ای از تجارت الکترونیکی می‌باشد و شامل فرآیندهای مبادله‌ای در تمام زمینه‌هاست که از صفر تا صد در بستر وب به انجام می‌رسد، مهم‌ترین محور این تغییر و تحولات است. یکی از ابزارهایی که در این گونه تجارت کاربردی روزافزون دارد، رمزارزها هستند که در خصوص آنها تحقیقات و پژوهش‌های متفاوتی انجام پذیرفته است. در واقع، با توجه به ماهیت چندوجهی این فناوری، پژوهش‌های مزبور نیز زمینه‌های متفاوتی از جمله علوم رایانه، اقتصاد، فقه، مدیریت، بازاریابی را شامل می‌شوند.

در اکثر تحقیقاتی که محور آنها فناوری رمزارز است، نگاه کلی در جهت شناخت رمزارز به عنوان یک دستاورد نوین و رو به رشد محور محسوب می‌شود. اما با عنایت به نقش بسیار پررنگ و انکارناپذیر مالیات در رشد اقتصاد و مغفول ماندن این ابزار اقتصادی ارزشمند در ایران، توجه به وضعیت اخذ وجوه مالیاتی از فناوری رمزارز با علم به ماهیت و نقش اقتصادی آن که با محدودیت استفاده از این فناوری به عنوان واسط در مبادلات همراه است، می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد. در کشورهای دیگر، در کنار پذیرش این ابزار جدید، قواعد حقوقی و مالی مدونی هم قرار گرفته تا کسب منفعت اقتصادی از آن مبنای قانونی داشته باشد. دریافت مالیات از دارندگان و فروشندگان رمزارز هم بخشی از این قوانین را تشکیل می‌دهد. اما در ایران، قوانین تجاری نسبت به رمزارزها موضع مشخصی نداشته و وضعیت قوانین مالیاتی در این زمینه نامشخص است. بنابراین می‌توان ورود رمزارزها به ایران و فرصت‌ها و چالش‌های به وجود آمده در این زمینه را در راستای تحولات اقتصادی پساانقلابی در نظر گرفت؛ به این معنی که امور مالی و اقتصادی ایران از تحولات شکل گرفته در حوزه فناوری، ارتباطات و تجارت الکترونیک مصون نمانده و اتفاقاً باید با نگاهی تخصصی، کارآمد و همه‌جانبه، بستر و زمینه‌ی لازم را برای جذب این امکانات جدید و بی‌سابقه به کار بگیرد. در این بین، نقش دولت در بسترسازی، مقررات‌گذاری و یا مشارکت در سرمایه‌گذاری، از اهمیت زیادی برخوردار است (فردای اقتصاد، ۱۴ آبان ۱۴۰۲). مسئله‌ی مزبور زمانی مهم‌تر تلقی می‌شود که بدانیم نقش دولت در حوزه اقتصاد در ایران بعد از انقلاب، هم در نظر و هم در عمل، فراز و نشیب زیادی داشته است؛ زیرا دو رویکرد کلی در این زمینه، یعنی رویکرد حداقل و رویکرد حداکثر، به موضوع نامبرده نیز راه پیدا کرده‌اند و در نتیجه بر رویکرد دیگر که همان رویکرد تنظیمی بوده و حاصل مراودات بین دولت و بازار است و در واقع انعکاس جهت‌گیری در

سیاست‌های اقتصادی دولت محسوب می‌شود، تاثیر می‌گذارند (حسینی و شفیعی، ۱۳۸۶: ۲۵-۶۰).

پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا از طریق ارائه‌ی تعاریف اصلی از رمزارزها و ضوابط مالی آن در دیگر کشورها، در جهت تسهیل تقنین، شناختی بهینه از این فناوری ارائه شود. به عبارت دیگر، مسئله‌ی اصلی این است که چگونه با پر کردن خلاء قانونی در زمینه‌ی فناوری رمزارزها از طریق قانون‌گذاری در این حوزه، به معضلات و چالش‌های به وجود آمده پاسخ داده و علاوه بر آن، امکانات و دستاوردها و منافع اقتصادی و مالی ناشی از رمزارز و تجارت الکترونیک را به رسمیت بشناسند و از این طریق به پیشرفت اقتصادی مملکت کمک نمایند.

۱-۱. پیشینه پژوهش

آذری و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «پدیده‌های نوظهور مالی (بیت کوین) از دیدگاه قرآن کریم و فقه امامیه»، به این مسئله پرداخته‌اند که پول که معیار اندازه‌ی اموال و ابزار معاملات و یکی از پدیده‌هایی می‌باشد که در زندگی اقتصادی از دیرزمان مورد استفاده قرار گرفته است، علی‌رغم ظاهر ساده دائماً در حال تحول است؛ از جمله از سال ۲۰۰۹ که شکل جدیدی از پول تحت عنوان پول رمزنگاری شده یا بیت کوین به وجود آمد و تنها از طریق فضای مجازی منتقل می‌شود. به اعتقاد مولفان، با فراگیر شدن این نوع پول، ممکن است در ماهیت و کارکرد اقتصادی پول تغییرات مهمی ایجاد شود و در نتیجه کارکرد فقهی متفاوتی نسبت به پول معمولی به دنبال داشته باشد. با توجه به نکات مذکور، مولفان تلاش کرده‌اند تا با روش تحقیق اجتهاد چندمرحله‌ای و آیات قرآن کریم در ارتباط با اموال و معاملات و نیز خبرگان مالی اسلامی و مراجع تقلید، ماهیت این نوع پول و مالیت آن را تبیین نمایند.

رحیمی و امینی‌نیا (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «رمزارزها، چالش‌ها و جرایم پیرامون آن»، بر این موضوع تاکید کرده‌اند که شکل‌گیری پول الکترونیکی یا ارز دیجیتال باعث به وجود آمدن چالش‌ها و مسائل جدیدی برای نظام اقتصادی کشورها و به خصوص بانک‌های مرکزی شده است. از جمله خصوصیات رمزارزها، مخفی بودن هویت مبادله‌کنندگان است که موجب شده است تا جرایم و معضلاتی شکل بگیرند. بر همین اساس، مولفان سعی کرده‌اند تا مسائلی مانند ایجاد بستر فرار مالیاتی و نیز تخریب زیست محیطی به دلیل مصرف بیش از حد انرژی تجهیزات پردازنده‌ی این نوع از ارزها را مورد بررسی قرار دهند.

ربانی موسویان (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «مشروعیت رمزارزها از منظر فقه حکومتی و فردی»، منافع رمزارزها مانند توسعه‌ی مبادلات ارزی بین‌المللی و ارزان شدن را در مقابل

مضار آنها مانند توسعه‌ی جرایم پولشویی، نقض نظم اقتصادی و مالی قرار می‌دهد. مولف در ادامه اظهار می‌دارد که از منظر فقه فردی، رمزارزها نوعی مال بوده و معاملات آنها ربوی و غرری نیست و بنابراین در صورتی که اساس معاملات این ارز از نظر شرعی مشکلی نداشته باشد، معامله‌ی آنها باطل و حرام محسوب می‌شود. اما از منظر فقه حکومتی، وضعیت به این صورت نیست. بر اساس نتایج تحقیق مذکور، به استناد ادله‌ای مانند قاعده‌ی لاضرر، قاعده‌ی احترام و حفظ نظام که همگی مانع از اجرای سیاست‌های نادرست مالی و افزایش بی‌رویه‌ی پول در نظام اقتصاد اسلامی می‌شوند، لازم است تا زمانی که از سوی حاکمیت نظم حقوقی برای کنترل رمزارزها در اقتصاد کشور ترتیب داده نشده است، از معاملات در زمینه‌ی رمزارزها جلوگیری شود.

رحیمی و شریفیان (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «موقعیت رمزارزهای دیجیتال در نظام ملی و بین‌المللی»، به این موضوع پرداخته‌اند که رویکرد غالب دولت‌ها به رمزارزها، به دلیل منافع اقتصادی، مثبت است و آنها با احتساب رمزارزها به مثابه یکی از عوامل تکمیلی نظام اقتصادی برای توسعه‌ی این حوزه و وضع قوانین تلاش می‌کنند. اما بعضی دیگر از دولت‌ها از جمله جمهوری اسلامی ایران موضع متفاوتی دارند و به رمزارزها بیشتر به منزله‌ی ابزارهای مبادلاتی کالاهایی خاص نگاه می‌کنند. مولف در ادامه بر این نکته تأکید دارد که علی‌رغم مواضع مختلف دولت‌ها، انتظار می‌رود که در آینده قدرت رمزارزها غالب گردد و بدون متأثر شدن از سلطه‌ی حاکمیتی، به روند طبیعی بین‌المللی تبدیل شوند. بولوتواوا^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان «ماهیت قانونی رمزارزها»^۲، این مسئله را مد نظر قرار داده‌اند که چگونه ارز دیجیتال به سرعت در سراسر جهان محبوب شد و حوزه‌ی جدیدی از روابط عمومی را تشکیل داد که به شدت نیاز به تنظیم و کنترل از سوی دولت دارد. یکی از مشکلات اصلی در این زمینه، تعریف ماهیت حقوقی رمزارزهاست؛ یعنی پاسخ به این سوال که رمزارز به عنوان موضوع مقررات قانونی چیست؟ بر طبق نظر مولفان، پاسخ به این سؤال آسان نیست؛ زیرا رمزارز در موضوع و کارکرد خود نه تنها به پول شباهت دارد بلکه با کالاها و اوراق بهادار غیر اسنادی نیز شباهت دارد. با تعریف ماهیت حقوقی و وضعیت ارز دیجیتال، دولت‌های جهان این فرصت را دارند که یا از نظر قانونی آن را با یکی از موضوعات موجود مقررات قانونی برابری کنند یا با کار پیچیده‌تری روبرو شوند. در این رابطه، این رمزارز است که باید به

¹. The legal nature of cryptocurrency

². Bolotaeva

عنوان یک پدیده‌ی اساساً جدید، موضوع مقررات قانونی قرار بگیرد؛ یعنی ارائه‌ی تعریف قانونی بر اساس ماهیت اقتصادی آن و شروع به ایجاد قوانین مربوطه. بر همین اساس، نویسندگان به بررسی ویژگی‌های خاص کارکردهای فناوری بلاک چین و انتشار ارز دیجیتال پرداخته و رویه‌های مقررات قانونی آنها را در کشورهای مختلف مطالعه کرده و سپس مواضع دولت‌های مختلف را در تعریف ماهیت حقوقی این ارزها تبیین کرده‌اند.

پرازولف^۱ و کولسینیکووا^۲ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «جنبه‌های مقررات قانونی رمزارزها»^۳، سعی کرده‌اند تا مسائل حاکمیت قانونی و نظارتی بر نوع جدید یا همان پول الکترونیکی و رمزارز را مورد بررسی قرار دهند. بر طبق فرضیه‌ی این تحقیق، برای درک اشکال و روش‌های مقررات و قانون‌گذاری رمزارزها در نقاط مختلف دنیا، حالت ثابتی وجود ندارد. مولفان، فرمول‌های موجود درباره‌ی رمزارزها را بر اساس ضرورت درک علمی به منظور شناسایی آنها مورد توجه قرار داده‌اند و بر پیش‌نیازهای اصلی حقوقی به خصوص درباره‌ی تنظیم سیستم‌های پرداخت تاکید کرده‌اند.

نوآوری مقاله‌ی حاضر در تاکید آن بر ضرورت سیاست‌های قانون‌گذاری در حوزه‌ی رمزارزها با علم به روابط و مناسباتی است که این سیاست‌ها با اقتصاد و سیاست‌های کلی‌تری دولتی برقرار می‌کنند. به همین منظور، این مقاله با رویکردی انتقادی تالیف شده و تلاش می‌کند تا موضوع تحقیق را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داده و پیشنهاداتی ارائه دهد. علاوه بر این، نوآوری دیگر این مقاله در تبیین هر چه بیشتر فناوری رمزارزهاست که برای ورود و تعمیق موضوعات محوری پژوهش، امری ضروری می‌باشد.

۲. چارچوب مفهومی: تعاریف و عملکرد رمزارزها

۲-۱. چیستی رمزارزها

بی‌شک اولین گام در تقویم قواعد مالی مناسب، شناخت ماهیت رمزارزهاست. تعریف از شیء، شکل‌دهنده‌ی شناخت ما از مُعَرَف است و در مورد این فناوری به دلایلی مانند غیر فیزیکی بودن، عدم وجود سابقه برای پدیده‌ی مشابه در علم اقتصاد و امثال آن، تعاریف قابل ارائه پیچیده‌تر شده و مبرهن است که چگونگی تعریف، روند قانون‌گذاری را هموار می‌سازد.

1. Prasolov

2. Kolisnikova

3. Aspects of Crypto Currency's Legislative Regulation

با گسترش فناوری‌های رمزنگاری و زنجیره‌ی بلوک‌ها، بیت کوین به عنوان نخستین و تا به امروز اصلی‌ترین گونه‌ی رمزارز به وجود آمد و پس از آن نام‌ها و گونه‌های دیگری از این فناوری به جهان عرضه شد. با گذشت زمان مزایای این فناوری ثابت شد و مورد اقبال عمومی قرار گرفته و رشد قیمت آن چند برابر گردید (وایاس و همکاران، ۱۳۹۹). بر این اساس می‌توان رمزارز را سرمایه یا داشته‌ای مجازی و دیجیتالی است که اغلب بر خلاف پول رایج کاغذی پشتوانه‌ی حکومتی ندارد (Mauldin, 2014)؛ زیرا عدم وجود شکل و ماهیت فیزیکی در اغلب انواع آن به چشم می‌خورد. ارزش گونه‌های متفاوت رمزارز را عموماً با یکی از ارزهای رایج و به طور معمول با دلار آمریکا می‌سنجند (جزائری و مبینی‌زاده، ۱۴۰۱). پس می‌توان اظهار داشت که رمزارز مجموعه‌ای از کدهای رایانه‌ای است که عرفاً به عنوان وسیله‌ی انجام جابه‌جایی‌های مالی پذیرفته‌شده و به دلیل رمزگذاری شدن، از امنیت بالاتری نسبت به پول دیجیتال که در واقع مقسم این گونه فناوری می‌باشد، برخوردار است (حیبی و ابافت، ۱۴۰۱: ۸۹-۱۰۰).

گردش مالی درون شبکه‌ی کاربران رمزارز توسط نهادهای نظارتی کنترل، تایید و یا محدود نمی‌گردد. به عبارت دیگر، برخلاف مبادلات مالی انجام گرفته به وسیله‌ی بانک‌ها که ثبت و تایید می‌شوند، تراکنش‌های مالی رمزارز در حیطه‌ی هیچ مرکزی نبوده و قابلیت رهگیری یا حسابرسی توسط نهاد مرجع جز به صورت کلی (یعنی فارغ از تعیین کاربران و فقط در جهت تأیید کاربری)، وجود نخواهد داشت. هدف اصلی و کارکرد نهایی رمزارز هم در واقع حذف همین واسطه‌ها و سرعت بخشیدن به تجارت می‌باشد (وایاس و همکاران، ۱۳۹۹).

در نظام بانکی مرسوم، وظیفه‌ی بانک علاوه بر فراهم آوردن امکان تبادلات مالی، حفظ سرمایه‌ی طرفین، تامین امنیت و در صورت لزوم کنترل و محدود ساختن این گونه مبادلات می‌باشد. به طور مثال، با وضع قوانین بر ضد پولشویی، بانک با نظارت بر میزان وجوه انتقالی و ثبت مشخصات متعاملین امکان دسترسی به اطلاعات را برای نهادهای نظارتی فراهم می‌آورد (کرمی و پورمند، ۱۳۹۷). بر این مبنای، رمزارز مرکزیت هر واسطه‌ای را اعم از حکومت، بانک، شرکت و حتی افراد حقیقی و حقوقی، با استفاده از شبکه‌ی هم‌تا به هم‌تا حذف می‌کند و باعث به انجام رسیدن مبادلات بدون حضور فرد ثالث می‌شود (سیاه‌بیدی و همکاران، ۱۳۹۷).

۲-۲. ویژگی‌های رمزارزها

تعاریفی مانند سرمایه دیجیتال، ارز دیجیتال، پول دیجیتالی، ارز مجازی و نهایتاً رمز ارز همه در توصیف این فناوری بیان شده، تمام این شناساننده‌ها نقاط مشترکی با هم دارند که

مهمترین آنها نخست ارزشمندی و بهادار بودن پدیده مذکور و دوم مرتبه غیر ملموس و غیر فیزیکی بودن آن است.

یکی از تعاریف مشهور رمز ارز توسط دو تن از اساتید علوم رایانه‌ای در نشریه دانشگاه کرنل ارائه شده است، بر اساس این تعریف رمز ارز ابزار و کالای داده‌ای شبه پول می‌باشد. برای این نامگذاری دو جهت عمده ذکر می‌شود اول غیر دستوری بودن قواعد قیمت گذاری؛ (این مورد در تمام رمز ارزها صادق نیست و بیشتر در مواردی از آن استفاده می‌کنند که دولت یا نهاد معینی در ایجاد رمز ارز نقش تعیین کننده نداشته باشد) که باعث خواهد شد قیمت رمز ارز بنا به تقاضای عمومی مشخص گردد، برخلاف ارزهای رایج مانند یورو و دلار؛ از سویی مجازی بودن و ابتدای آن بر داده‌های رایانه‌ای، باعث ایجاد امنیت چشمگیر و عدم دسترسی غیر مجاز افرادی غیر از دارنده کلید ابزار خواهد شد (Bergstra, weijland, 2014).

۲-۳. تاریخچه بیت کوین

با توجه به تنوع در گونه‌های مختلف رمز پول و امکان اختلاف در شیوه عملکرد برای آشنایی بهتر و طرح مسئله به صورت مصداقی به سراغ یکی از مشهورترین گونه‌های رمز پول و اولین نوع آن یعنی بیت کوین می‌رویم تا با بررسی روند تایید معاملات این رمز پول در عمل شناخت بهتری از این فناوری داشته باشیم.

بیت کوین در سال ۲۰۰۹ میلادی (۱۳۸۷ شمسی) توسط فرد یا گروهی که با نام مستعار ساتوشی ناکاماتو در فضای مجازی شناخته می‌شوند، ابداع شد. وی از رمز نگاری برای ایجاد این فناوری استفاده نمود و همین مسئله یعنی ایمن سازی این ارز به وسیله استفاده از رمز نگاری باعث ایجاد تفاوت با دیگر پول‌های دیجیتال شده است. در توضیح تفاوت میان پول یا ارز مجازی (دیجیتال) و رمز ارز باید گفت که ارز مجازی تمامی انواع ابزارهای مبادله غیر فیزیکی مبتنی بر فناوری رایانه‌ای از جمله توکن‌ها، اعتبار موجود در کارت‌های بانکی، ارزهای مجازی بدون رمز نگاری و در نهایت رمز ارزها را شامل می‌شود، بنابراین می‌توان گفت رابطه میان رمز ارز و ارز دیجیتال عام و خاص مطلق بوده و رمز پول منقسم از این گونه‌ی ارز یا پول می‌باشد. (رجبی، ۱۳۹۷)

علت استفاده از رمز در ایجاد بیت کوین همان عامل امنیت و اطمینان بخشی به کاربران بوده تا در هنگام استفاده از اصالت و ایمن بودن شبکه و ابزار مطمئن باشند حتی اگر نسبت به هویت طرف دیگر معامله و وضعیت وی آگاهی نداشته باشند. هدف اصلی وی طبق اظهار شخصی ایجاد روشی سهل برای معاملات برخلاف به صورت ایمن و بدون حضور واسطه یا ناظر بوده است. (حیبی دهکردی و ابافت، ۱۴۰۱: ۱۰۰-۸۹).

۲-۴. روش‌های دسترسی به رمزارز (به طور خاص بیت کوین)

طرق به دست آوردن بیت کوین به عنوان ارز دیجیتال مرجع، به صورت معدن کاوی یا ماینینگ، خرید و یا دریافت از دیگر کاربران چه رایگان و یا در قبال خدمات یا فروش کالا است. علاوه بر این، بیت کوین دارای یک وبگاه پشتیبانی و فروش می‌باشد که نقش آن را می‌توان بیشتر در اطلاع‌رسانی و فروش دانست و هیچ فعالیت نظارتی یا پشتیبانی به معنای کنترل بر فرآیندها ندارد.

۲-۵. چگونگی تأیید تراکنش در فناوری مربوطه

چنانچه قبلاً هم ذکر شد، یکی از وظایف بانک‌ها و یا موسسات نظارتی بر جابه‌جایی‌های مالی، ایجاد امنیت برای کاربران و اطمینان بخشی از صحت انجام مبادلات است. اما در این ساز و کار جدید، با از میان برداشته شدن میانجی، این نقش باید به صورتی دیگر و توسط فردی دیگر انجام پذیرد؛ در غیر این صورت رغبتی برای استفاده از فناوری حاضر باقی نمی‌ماند (حبیبی دهکردی و ابافت، ۱۴۰۱: ۸۹-۱۰۰).

در رمزارز، کار تأیید مبادلات بر عهده خود کاربران است و در واقع خریدار و فروشنده تأییدیه صحت انجام معامله‌ی خود را از دیگرانی که کاربر این رمز پول هستند دریافت می‌دارند (روشن و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۷). اما سیستم نظارتی که پیش از این ذکر شد در مورد بیت کوین به صورت پایش کاربران بر فعالیت کاربران عمل می‌کند. دلیل نیاز به نظارت در چنین فرآیندی، جلوگیری از کلاهبرداری از طریق انتقال هر واحد بیت کوین به بیش از یک نفر می‌باشد (Suryadi and Budianto, 2022). هر فردی که به عضویت مجموعه‌ی کاربران بیت کوین در می‌آید دو کد کاربری دریافت می‌کند که در نقل و انتقال به آنها نیاز خواهد داشت. کد اول عمومی و کد دوم مختص صاحب رمزارز است که از آن به «کلید» تعبیر می‌شود. برای انتقال وجه، فروشنده کلید خریدار را دریافت و از طریق آن اقدام به انتقال می‌نماید. در همین زمان کد اول در میان دیگر کاربران به صورت عمومی منتشر و آنان را از انجام مبادله آگاه می‌سازد. کلید اول یا کد عمومی بر اساس «دانایی صفر» طراحی شده و به جز اطلاع انتقال صورت گرفته، هیچ شناختی از متعاملین، هویت، مکان یا دیگر مسائل مرتبط با ایشان در اختیار دیگران قرار نمی‌دهد. «اثبات دانایی صفر» یا «پروتکل دانایی صفر» در رمزنگاری روشی است که بر طبق آن، طرف اول (اثبات کننده) می‌تواند به طرف دوم (تصدیق کننده) ثابت کند که بیانیه‌ی ارائه شده صحیح است. این روش فقط صحت بیانیه را تصدیق می‌کند و هیچ اطلاعات اضافه‌ای را به جز این حقیقت که بیانیه واقعاً صحت دارد ارسال نمی‌کند. با انتشار این اطلاعاته مبنی بر جابه‌جایی رمزارز میان دو پایانه، هر کاربری که آن را دریافت می‌کند اقدام به باز نشر می‌نماید. بدین صورت تمام کاربران از میزان جدید کل رمزارز موجود در کل شبکه مطلع می‌شوند و در عین حال فرصتی ایجاد می‌شود تا برخی کاربران با استخراج داده‌های مرتبط با معامله‌ی

صورت گرفته و ایجاد یک رسید الکترونیکی برای متعاملین، ضمن اطمینان بخشی از انجام صحیح معامله، خود نیز به عنوان جایزه یک سکه یا کوین دریافت نماید (Suryadi and Budianto, 2022).

۲-۶. ماهیت اقتصادی رمزارزها

در مورد فناوری رمزارزها، مراجع رسمی اقتصاد جهان تعاریفی ارائه نموده‌اند که به تعدادی از بارزترین آنها اشاره خواهد شد.

۱) وزارت خزانه‌داری آمریکا: رمز ارز نوعی ارز مجازی غیر متمرکز است (Calvery, 2013).

۲) اداره مالیات دولت آمریکا: رمزارز نوعی سرمایه محسوب می‌شود (قوانین مالیاتی ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۴. سند ۲۰۱۸-۷۱).

۳) بانک خلق چین: رمزارز گونه‌ای پول و واسطه‌ی سرمایه‌گذاری است (رجبی، ۱۳۹۷). تفاوت این تعاریف به اختلاف در چند چیز بر می‌گردد. نخست مشابهت یافتن میان کارکردهای پول و رمزارز؛ دوم نوع نگاه به شرایط پیرامونی رمزارز مانند رشد قیمت، دولت‌محور بودن یا عدم وجود پشتوانه و غیره. به طور کلی کارکردهای پول در چهار مورد اصلی واسطه‌ی مبادلات، ارزش‌گذاری، ذخیره‌ی ارزش و پرداخت تعهدات خلاصه شده است (کریمی و پورمند، ۱۳۹۷).

۳. اهمیت شناخت ماهیت رمزارزها در مسائل حقوقی

یک نکته وجود دارد که باعث می‌شود تا به تعاریفی دیگر نیز برای شناخت رمزارزها نیاز باشد و آن، چندوجهی بودن ماهیت این فناوری است. به طور مثال مسائل حقوقی پیرامون رمزارز این نیاز را به وجود آورده تا از این منظر به تعریف فناوری مذکور پرداخته شود.

در ایالات متحده آمریکا که دارای نظام حقوقی برساخته‌ی قضات^۱ است و تأثیر صدور احکام قضائی تنها به مورد پرونده ختم نشده و در واقع شکل‌دهنده‌ی قوانین آتی در همان زمینه خواهند بود (البته به عنوان یکی از منابع)، طی یک پرونده‌ی اختلاس که در یک شرکت سرمایه‌گذاری رخ داده بود، قاضی فدرال بیت کوین را گونه‌ای ارز یا پول معرفی کرد. این در حالی است که در جریان پرونده‌ای دیگر که در آن از بیت کوین برای پولشویی استفاده شده بود، قاضی رمزارز را مفهومی غیر از پول رایج بر می‌شمارد و آن را سرمایه‌ی غیرفیزیکی و قابل پنهان‌سازی (اما مشابه سرمایه‌های فیزیکی ملموس) معرفی

^۱. Juge Made Law

می‌کند. تفاوت این دو برداشت از رمزارز در نهایت به قابلیت ضبط مال یا عدم آن باز می‌گردد (Hurtado and Nesmith, 2016). از این دو حکم صادره چنین بر می‌آید که نحوه‌ی تعریف از رمزارزها می‌تواند در نتیجه‌ی نهایی تأثیرگذار باشد و چگونگی شناساندن این فناوری چه در زمینه‌ی حقوقی یا اقتصادی می‌تواند بر وضع قوانین آتی نقش داشته باشد.

در موارد مذکور، با توجه به خصوصیات نظام حقوقی آمریکا، دیدگاه قضات در مورد یک امر شکل‌دهنده‌ی قانون در آن موضوع خواهد بود. این وضعیت در ایران، با توجه به نظام حقوقی مبتنی بر قوانین مکتوب و مصوب و شریعت اسلام (فقه)، بسیار متفاوت از کشورهای دارای نظام کامن‌لا است.

۳-۱. بررسی فقهی رمزارزها

در فقه اسلامی آنچه که می‌تواند در اعمال و وقایع مالی به کار آید از پنج صورت خارج نیست: عین، منفعت، انتفاع، حق، دین یا ذمه. عین همان شیئی مستقل خارجی است و با اقسامی که دارد در مقابل چهار قسم دیگر قرار می‌گیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶). منفعت را حق استفاده از بهره‌ی عین می‌گویند و ناشی از منشا عین می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۹). انتفاع همانند منفعت، نوعی اجازه در بهره‌گیری می‌باشد، با این تفاوت که موجب تملیک نمی‌شود و تنها در حد جواز و اباحه استفاده می‌شود. برخی از علما قائل به چنین تقسیمی میان منفعت و انتفاع نبوده و هر دو را از یک سلک می‌دانند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶). در ما نحن فیه، رمز پول را نمی‌توان منفعت یا انتفاع خواند؛ زیرا آنچه از آن بهره گرفته می‌شود خود شیء است. یعنی در صورت استفاده، نفس شیئی مستهلک می‌گردد و امری خارج از آن وجود ندارد که بقای آن متضمن استفاده از منفعتش گردد.

حال سؤال این است که آیا می‌توان رمزارز را نوعی حق محسوب نمود؟ در این رابطه باید گفت رمزارز همانند پول کاغذی نیازمند بررسی است که آیا مالک آن دارای سندی است که حق دینی وی را ثابت می‌نماید یا خیر و خود رمزارز دارای ارزش مبادله‌ای می‌باشد. برای پاسخ به این سؤال باید گفت که حقوق، یا عینی (تبعی) هستند یا دینی (کاتوزیان، ۱۳۷۹). حقوق ماهیتی غیر فیزیکی دارند و در واقع مبتنی بر امری واقع شده در خارج هستند. به طور مثال، حق مالکیت که از علقه و ارتباط میان مالک و مملوک ناشی شده است که حق عینی اصلی است یا حق راهن نسبت به مال مرهونه در صورت عدم بازپرداخت بدهی که حق دینی تبعی نامیده می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۹). با این توضیحات می‌توان گفت رمزارز به خودی خود حق نیست اما می‌تواند موضوع برخی از حقوق مطروحه در فقه و قانون قرار گیرد. در مورد دین یا ذمه هم وضعیت به همین منوال است، یعنی همان گونه که گفته شد دین ناشی از واقعه یا عمل حقوقی صورت پذیرفته است و

خود ماهیت خارجی ندارد. اما رمز ارز دارای ماهیت مستقل خارجی است و می توان آن را مستقلاً از طریق استخراج به دست آورد.

در تعریف عین، اولین نکته‌ای که توسط همه‌ی علما ذکر شد ملموس بودن به یکی از حواس پنجگانه می‌باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶). در عین نامیدن رمزارز، دو توجیه وجود دارد:

۱) درست است که رمزارز به دقت عقلی چیزی جز ارزش مبادله‌ای عام نمی‌باشد و وجود خارجی به صورت فیزیکی و محسوس در اکثر موارد ندارد (برخی از رمزارزها مابه‌ازائی از جنس سکه‌هایی فلزی داشته و این گونه هم ارزش گذاری می‌شوند). اما اگر با مسامحه‌ی عرفی به این مسئله نگریسته شود، حتی رمزارز هم قابل اندازه‌گیری و سنجش به وسیله‌ی بینایی می‌باشد.

۲) توجیه دوم مطلبی است که برخی از حقوقدانان از جمله دکتر شهیدی و آیت‌الله موسوی بجنوردی ذکر نموده و عین را به دو دسته‌ی مادی و غیر مادی تقسیم نموده‌اند. عین مادی همان عینی است که به «مثلی» و «قیمی» تقسیم‌پذیر است و عین غیر مادی را همان ارزش مبادله‌ای بر می‌شمرند (یوسفی، ۱۳۷۷). طبق این تقسیم‌بندی می‌توان گفت رمزارز عین غیر مادی است.

سؤال مهم بعدی این است: آیا رمزارز مال است یا ملک؟ حال با فرض بر پذیرش رمزارز به عنوان عین یا گونه‌ای از عین، آیا مالیت دارد یا تنها ملک است؟ در اسلام مالیت شیئی بر چند چیز استوار است. اول آنکه خود شیئی یا هدف از استفاده از آن منحصر به امور غیر شرعی نباشد. رمزارز هم همانند پول کاغذی یا مسکوک، شیئی ذوجهین است؛ یعنی هم می‌توان از آن استفاده‌ی شرعی نمود هم غیر شرعی. بنابراین هرگاه استفاده‌ی معقول و مشروع از آن وجود داشته باشد می‌توان آن را با معیار شرع، پذیرفتنی به شمار آورد.

از دیگر شروط مال، قابلیت تقویم است؛ یعنی بتوان بر آن ارزش نهاد (شیخ انصاری، ۱۳۹۶). رمزارزها در کنار هدف وجودی خود که سهولت مبادله فارغ از نظارت بوده است، در جهان امروز هم با ارزش‌های دیگر مبادله می‌شوند و هم مبنای قیمت برای معاملات قرار می‌گیرند (Koroma et al., 2022). چگونگی ایجاد ارزش هم به دو روش است. نخست، تقاضای جامعه که قیمت را برای این رمزارز معین می‌سازد. دوم این که سازنده برای آن یک ارزش اسمی قرار می‌دهد که به مرور زمان افزایش یا کاهش می‌یابد. پس این شرط نیز در رمزارز موجود است.

شرط سوم، قابلیت نقل و انتقال است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶؛ کرمی و پورمند، ۱۳۹۷). هدف اصلی و نهایی خلق رمزارز همین مورد، یعنی نقل و انتقال، بوده است که

بسیار آسان‌تر از پول می‌باشد. در چنین شرایطی می‌توان این فرضیه را پذیرفتنی دانست که رمزارز دارای خاصیت و ارزش مبادله‌ای از نظر فقهی است و مالیت دارد. سؤال دیگری که مطرح می‌شود این است که با فرض پذیرش آن به عنوان عین مالی، آیا رمزارز «مثلی» است یا «قیمی»؟ در مورد پول کاغذی تقریباً اکثر علمایی که قائل به عین بودن پول هستند آن را مثلی می‌دانند (یوسفی، ۱۳۷۷). اما در مورد رمزارز، بحث پیچیدگی بیشتری دارد؛ زیرا رمزارز با آنکه گفته شد عرفاً عین است اما به دلیل ماهیت غیر مادی، مثلی دانستن آن مستلزم اثبات عینیت آن می‌باشد که در این مورد بحث شد. با این وجود، مثلی دانستن آن به دلایلی به ذهن نزدیکتر می‌آید. نخست آنکه رمزارزها دارای ویژگی خاصی نیستند که نتوان نمونه‌ی آن را یافت؛ ضمن اینکه در صورت قیمی بودن در بازپرداخت اگر افزایش قیمتی صورت گیرد شبهه‌ی ربای فرضی به ذهن متبادر می‌گردد. برای آنکه بحث ماهیت در تقنین بهتر درک شود، مثالی در خصوص سهام که مشابهت‌هایی با رمزارز دارد آورده می‌شود. در بحث از ماهیت سهام و این که سهام به دقت فقهی چیست، چند قول وجود دارد: (۱) عینیت و مالیت؛ (۲) سند دین یا بدهی؛ (۳) تفکیک بین انواع سهام به صورت با نام و بی‌نام (احمدزاده بزاز و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۱-۵۹). اما ثمره‌ی این تفکیک می‌تواند در بحثی مانند امکان اجاره‌ی اوراق سهام مشخص گردد (امین‌زاده؛ ۱۴۰۱: ۷۷-۱۰۱)؛ کما اینکه امکان اجاره‌ی آنچه که معرف بدهی یا دین است، در فقه به تصریح وجود ندارد.

۲-۳. بررسی امکان پول‌انگاری رمزارزها و پیامدهای حقوقی آن از منظر قانون‌گذاری

در رابطه با انجام‌پذیری مبادلات با رمزارزها باید گفت در بازارهای خرده‌فروشی و فروشگاه‌های برخط، استقبال از رمزارزها به دلایلی چون سرعت پایین تراکنش (هر تراکنش بیت کوین به عنوان ارز فراگیرتر، حدود ۱۰ دقیقه زمان می‌برد)، تغییرات مداوم نرخ تبدیل و عدم امکان نصب برچسب قیمت با نرخ ثابت بر روی اجناس، بسیار پایین است (Bohme et al, 2015: 215-238). هر چند در برخی موارد مزایای رقابتی رمزارزها نسبت به ابزارهای مبادلاتی رایج بالاتر است، مواردی مانند عدم نظارت نهادهای دولتی یا بانک‌ها و به بیان دیگر فقدان نهاد واری‌کننده‌ی متمرکز، در کنار مجازی بودن تمام فرآیند انتقال و امکان اعتبارسنجی تراکنش از طریق اثبات دانایی صفر، از جمله‌ی این مزایا هستند (سیاه‌بیدی و همکاران، ۱۳۹۷). درباره‌ی ارزش‌گذاری به دلایل مشابه مورد قبل، یعنی نرخ تبدیل متغیر نسبت به ارزهای رایج، با وجود امکان عملی ارزش‌گذاری، این اتفاق به صورت گسترده رخ نمی‌دهد (Gebra and Rubio, 2019).

در رابطه با سومین کارکرد سنتی پول، یعنی ابزار ذخیره‌ی ارزش، باید گفت که دو رویکرد بلندمدت و کوتاه‌مدت در بررسی رمز ارزها باید در پیش گرفت. در رویکرد کوتاه‌مدت، ارزهای دیجیتال چندان برای سرمایه‌گذاری مناسب به نظر نمی‌رسند و خطر نوسانات شدید قیمت، سرمایه‌گذار را تهدید می‌کند (Yermak, 2013). اما در رویکرد بلندمدت، بررسی‌ها نشان می‌دهد رمزارزها می‌توانند نقش سرمایه‌ای خود را ایفا کنند - هر چند این نکته نیز باید مطمئن نظر قرار گیرد که قیمت ارزهای بدون پشتوانه بر اساس تقاضا تعیین می‌شود و تقاضای بازار یک عامل کاملاً غیر قابل اتکاست (Gebra and Rubio, 2019).

نباید فراموش کرد که استفاده از ارزهای الکترونیکی برای پرداخت تعهدات امریست مطابق ماهیت آنها، زیرا ایجاد رمزارزها در واقع با هدف خلق یک ابزار مبادله‌ی برخط و آسان بدون نظارت بانک‌ها و نهادهای دولتی بوده است، اما شرط لازم این رویه، پذیرش متعهدله خواهد بود.

با توجه به تمام آنچه تاکنون گفته شد می‌توان این نتیجه را گرفت که رمزارزها با کارکردهای بنیادین پول فاصله داشته و شاید بهتر باشد آنها را پول نامیم (Yermak, 2013).

پیش از این اشاره شد که اداره‌ی مالیات آمریکا این گونه ارزها را نوعی سرمایه می‌نامد. شاید بتوان دلیل آن را در قوانین مالیاتی جستجو کرد. اگر رمزارز پول محسوب شود، در هنگام انتقال چنانچه انتقال‌دهنده شغلی مرتبط با خرید و فروش رمزارزها نداشته باشد، مالیات بر انتقال قابل اخذ نیست؛ اما با کالای سرمایه‌ای، شناختن رمزارز از طریق اخذ مالیات از انتقال‌دهنده‌ی آن که عملی قانونی است، ممکن خواهد شد (بخشنامه‌ی شماره‌ی IR-2014-36 اداره مالیات داخلی آمریکا).

در دیگر موارد نیز تعریف از این پدیده به گونه‌ای صورت می‌گیرد که با قوانین تطبیق یابد، مانند تعاریف حقوقی صورت گرفته که به دلیل نظام حقوقی مبتنی بر تجربه‌ی حقوقی یا نظام حقوقی برساخته‌ی قضا در ایالات متحده‌ی آمریکا می‌تواند مستقیماً به صورت قانون در آید.

جمهوری اسلامی ایران تاکنون قانون‌گذاری در رابطه با ارزهای مجازی انجام نداده و از این رو تعریف رسمی و قانونی مشخص از این ابزار فناورانه در دست نیست. شاید بتوان گفت مهم‌ترین بیانیه‌ی رسمی در تعریف رمزارزها، «سند الزامات و ضوابط فعالیت در حوزه‌ی رمز ارزها» صادرشده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در بهمن ماه ۱۳۹۷ می‌باشد که برای شناساندن رمزارز می‌گوید: «رمزارز یک نوع دارایی مالی است که بر بستری دیجیتال، غیرمتمرکز و شفاف به نام زنجیره بلوک موجودیت می‌یابد. این

دارایی‌ها می‌توانند در شرایطی کارکرد پولی به خود بگیرند». در ادامه، این سند استفاده از رمزارزهای جهان‌روا^۱ را به عنوان ابزار پرداخت ممنوع می‌نماید؛ هر چند ضمانت اجرای خاصی برای آن ذکر نمی‌شود.

با توجه به این ممنوعیت، رمزارزهایی که در خارج از ایران ایجاد و در دسترس هستند یکی از کارکردهای مشابه پول خود، یعنی ابزار مبادلات «مالی رسمی» را در کشور ما از دست می‌دهند و قطعاً با توجه به همین نکته، ارزش‌گذاری هم بر اساس این فناوری در داخل مرزهای کشورمان چندان منطقی به نظر نمی‌رسد.

در مورد کارکرد ذخیره‌ی ارزش باید به چند نکته توجه نمود:

۱) وضعیت تورمی اقتصاد و کاهش ارزش پول ملی (وبگاه خبری اقتصاد آنلاین، کد خبر ۵۱۹۸۹۹).

۲) نوسانات بازار سرمایه و عدم ثبات مد نظر سرمایه‌گذاران (دنیای اقتصاد، شماره ۵۰۱۱، کد خبر ۳۷۰۲۵۴۶).

۳) ارزش افزوده‌ی چشمگیر رمزارزها در میان‌مدت و بلندمدت (Hakim das, 2020).

۴) وجود مزارع ماینینگ قانونی و غیر قانونی که به استخراج بیت‌کوین می‌پردازند و همچنین صرافی‌های متعدد ارز دیجیتال در داخل کشور که در بستر وب مشغول فعالیتند. در واقع این مزارع و صرافی‌ها محیط مساعدی برای سرمایه‌گذاران خرد و بعضاً سفته‌بازان فراهم آورده است تا در این محیط فعالیت کنند. شاید بتوان گفت مهمترین دلیل اقبال عمومی در ایران نسبت به رمزارزها امکان افزایش ارزش در طولانی‌مدت می‌باشد.

در رابطه با کارکرد آخر پول، یعنی ابزار پرداخت تعهدات، اگر به این نکته توجه شود که بر طبق ماده ۱۰ قانون مدنی قراردادی که مخالفت صریح با قانون نداشته باشد (ظاهراً منظور از قانون، همان قوانین عادی و قانون اساسی می‌باشد) هر چند در دسته‌ی عقود مضبوط قانونی قرار نگیرد، قابل پذیرش خواهد بود (رضازاده پاشا، ۱۳۹۴). بر این اساس، فرد قادر است تعهدات مالی را در صورت پذیرش متعهدله به وسیله‌ی رمز ارز پرداخت نماید. نکته‌ی شایان ذکر، ممنوعیت وضع شده توسط بانک مرکزی است که با توجه به آنکه آیین‌نامه‌ی این نهاد کارکرد داخلی دارد، عملاً تنها ناظر به عملکرد نهادهای مالی

^۱ رمز ارز جهان‌روا، رمز ارزی است که بهره‌برداری و تبادل آن محدود به جغرافیای خاصی نبوده و

توسط مردم جهان بر بستر اینترنت قابل دسترسی است.

است و در واقع این ممنوعیت مربوط به مبادی و مراجع رسمی تحت نظر بانک مرکزی خواهد بود.

۳-۳. قوانین مالیاتی در خصوص رمزارزها

در عرصه‌ی بین‌الملل، با توجه به طولانی نبودن حضور ارزهای رمزنگاری شده در بازارهای اقتصادی، قوانین مالیاتی با فراز و فرود بسیار همراه است. ضمناً قوانین از کشوری به کشور دیگر متفاوت بوده و هنوز هم در حال تغییر هستند. این فناوری در کشورهای کانادا، آمریکا و مکزیک پذیرفته شده و قانونی است و مالیات از دارندگان آن اخذ شده و در مبادلات به کار گرفته می‌شود. در ایالات متحده آمریکا، علاوه بر مالیات بر خرید و فروش، مالیات بر نگهداری این گونه ارزها هم اخذ می‌شود (سند شماره ۲۰۱۴-۲۱ اداره مالیات داخلی آمریکا). این در حالی است که در آمریکای جنوبی، کشورهایی مانند بولیوی و اکوادور آن را غیرقانونی اعلام کرده و در مقابل شیلی، ونزوئلا، نیکاراگوئه، کاستاریکا، جامائیکا و ترینیداد رمزارز را مجاز شمرده و منع قانونی برای استفاده کنندگان آن وضع نکرده و مالیات از استخراج اخذ می‌گردد. در آسیا بیشتر کشورها با اعمال محدودیت‌هایی اجازه‌ی استفاده از این فناوری را داده‌اند و قوانین مالیاتی در این رابطه وجود دارد. در اروپا رمزارز آزاد و بر گردش مالی آن مالیات وضع گردیده است. البته بنا بر حکم کمیسیون اقتصادی این قاره، معافیت از مالیات بر ارزش افزوده برای رمزارزها وضع و به کارگیری می‌شود (رجبی، ۱۳۹۷).

باید گفت رمزارزها از سه طریق به دست می‌آیند:

۱) استخراج یا ماینینگ: استخراج به فرآیندی گفته می‌شود که طی آن با استفاده از ابزارهای محاسباتی با توان بالا (ماینر)، افراد صورت تراکنش‌ها و گزارش گردش‌های مالی جدید را به زنجیره‌ی بلوک افزوده و در قبال آن یک ارز جدید دریافت می‌دارند. این فرایند نیازمند تجهیزات خاص گرانتقیمت، زمان و انرژی بسیار زیاد است (روشن و همکاران، ۱۳۹۸).

۲) خرید بیت کوین که عموماً از طریق نرم‌افزارهای تلفن همراه یا رایانه موسوم به کیف پول^۱ صورت می‌پذیرد.

۳) انتقال بیت کوین از فردی به فرد دیگر که می‌تواند مجاناً یا در ازای کالا و خدمات باشد. سه وضعیت نیز می‌توان در رابطه با این دارایی تصور نمود: اکتساب، نگهداری و انتقال، فروش یا نابودی. اخذ مالیات در هنگام انتقال و فروش معمول است، زیرا در این

^۱. Wallet

هنگام می‌توان میزان درآمد فرد را محاسبه و بر اساس آن مالیات اخذ نمود (Chohan, 2020).

در ماینینگ، با توجه به این که یک واحد نظارت مرکزی بر رمزارزها وجود ندارد، میزان ارز استخراج شده جز از طریق محاسبه‌ی میزان انرژی مصرف‌شده ممکن نیست. به طور مثال، بزرگترین مزرعه‌ی قانونی استخراج بیت کوین ایران در کرمان روزانه ۱۲۰ مگاوات ساعت برق مصرف می‌کند که برای استخراج ۱,۷ دهم بیت کوین در ماه استفاده می‌شود (پایگاه خبری الف، شماره خبر: ۳۹۹۱۰۲۴۰۲۹). البته این روش برای محاسبه‌ی مالیات دقت کافی را نداشته و قابل اتکا نخواهد بود.

در ایران، معدن‌کاوی یا همان ماینینگ رمزارزها، طبق مصوبه هیئت وزیران به شماره ۵۸۱۴۴/ت/۵۵۶۳۷ مورخه ۹۸/۵/۱۳، یک فعالیت صنعتی شمرده شده و بر طبق این مصوبه، امکان اعطای مجوز به این واحدها وجود خواهد داشت. البته در تبصره‌ای که در تاریخ ۱۳۹۹/۷/۱۳ بر این مصوبه زده شد، امکان فروش ارز حاصل از فعالیت مزبور در داخل کشور وجود نخواهد داشت و رمزارز دسته‌ی اول استخراجی تنها باید برای تامین ارز خارجی مورد نیاز کشور از طریق کانال‌های معتبر بانک مرکزی تبدیل شود.

در رابطه با وضعیت مالیات ماینینگ باید گفت علاوه بر مالیات‌های مرسوم، هنگام اخذ مجوز فعالیت اقتصادی، اداره‌ی امور مالیات فعالیت شرکت‌های ماینینگ را نوعی اقدام تجاری به شمار آورده و آن را مشمول مالیات می‌داند؛ البته با این شرط که محصول این مزارع بعد از استخراج در داخل کشور به فروش برسد یا ارز حاصل از فروش خارجی آن به کشور باز نگردد. با توجه به مصوبه‌ی فوق‌الذکر، عملاً مالیات واحدهای ماینینگ در ایران با نرخ صفر محسوب خواهد شد.

در رابطه با مالیات ارزش افزوده، اخذ یا معافیت آن، تصریح قانونی وجود ندارد؛ اما مفهوم تبصره بند ۶ در رابطه با معافیت، ظهور در معافیت از هرگونه پرداخت مالیات دارد - حتی اگر تبصره‌های جدیدالتصویب دولت را هم نادیده بگیریم، بر اساس مصوبات حمایت از تولید در اداره امور مالیاتی، مالیات این واحدها شامل معافیت‌های قریب به ۲۰ ساله می‌شود. شاید معافیت‌های ذیل ماده ۱۳۲ که بر طبق دستورالعمل شماره ۲۰/۲۳۷۲۰ مصوب ۸۰/۱۱/۳۰ برای واحدهای تولیدی لحاظ می‌گردد، از جهت رونق تولید توجیه‌پذیر باشد، اما با سود ۲۲ درصدی حاصل از کاوش رمزارزها با وجود مصرف برق بسیار زیاد که در مواردی موجب کمبود و قطعی برق در کشور می‌شود، عدم اخذ مالیات از این واحدها چندان توجیه‌پذیر به نظر نمی‌آید. این معافیت در حالیکه هیچ‌گونه تولیدی صورت نگرفته و حتی فعالیت این واحدها تبدیل ماده‌ی کم‌ارزش به فرآورده‌ی ارزشمند نیز نمی‌باشد.

نگهداری از رمزارزها در صورتی باید مشمول مالیات شود که هدف مالک، کسب سود و نوعی سفته‌بازی باشد. اما این مورد می‌تواند در دسته‌ی مالیات‌های بر عایدی سرمایه قرار گرفته و در کنار مالیات بر واحدهای خالی از سکنه، خودروهای لوکس، سهام و سپرده از مالکین گرفته شود. در قوانین مالیاتی موجود، خرید و نگهداری رمزارزها به منظور سرمایه‌گذاری و کسب سود از افزایش قیمت، مشمول هیچ مالیاتی نمی‌شود (موسوی، ۱۳۹۸).

سومین صورت اعمال مالکانه در رابطه با رمزارزها یعنی نقل، انتقال، فروش یا اضمحلال است که در ایران با وجود ممنوعیت بهره بردن از رمزارزهای مرسوم جهانی به عنوان واسطه مبادله، خرید و فروش آن از طریق صرافی‌های مخصوص بر خط امکان‌پذیر است. قوانین مالیاتی در این زمینه تنها صرافی را که در شمول خود می‌گیرد عبارت است از صرافی ارز دیجیتال که همانند صرافی‌های ارز واقعی، موظف به پرداخت مالیات فعالیت شغلی خود هستند (ماده ۹۳ قانون مالیات‌های مستقیم). اما اگر همین رمز از طریق افراد عادی انتقال پیدا کند، خریداری و یا فروخته شود، قانون مالیات نسبت به مبادله‌ی مذکور مسکوت می‌باشد (رجبی، ۱۳۹۷). همچنین در مواردی مانند ارث رسیدن این گونه سرمایه‌ها، قوانین مالیاتی از چگونگی اخذ مالیات بر آن - جز ماده ۱۷ بند ۳ که به صورت کلی از اخذ ۱۰٪ از کلیات اموال و حقوق مالی نامعین صحبت شده است - به طور واضح و معین چیزی نگفته است. این در صورتی است که در رابطه با سهام و نقل و انتقال آن، حتی اگر از ماترک متوفی باشد وضعیت مالیاتی مشخص وجود دارد (رأی شماره ۳۰/۴/۴۷۸۵ مورخ ۱۳۶۹/۳/۲۸).

چرایی اخذ مالیات از رمزارزها، علی‌الخصوص رمزارزهای جهان‌روا، را باید در چند نکته جست و جو کرد. نخست آنکه با مطمح نظر قراردادادن مطالب مذکور، کارکرد فعلی رمزارزها در ایران ایجاد یک بازار سرمایه‌گذاری موازی با بازار بورس است که یکی از دلایل اصلی آن، عدم اخذ مالیات از فعالیت در این زمینه است؛ با این تفاوت که گسیل سرمایه به بورس باعث تعادل در جریان مالی اقتصاد، رشد و توسعه‌ی صنعتی و همچنین کاهش اثر تورمی نقدینگی خواهد شد (ناصری مقدم و همکاران، ۱۳۹۲). اما سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی رمزارز نه تنها به تولید کمک نمی‌کند، بلکه موجب خروج ارز نیز خواهد شد. بر این اساس باید گفت دولت موظف است با استفاده از ابزارهایی که در اختیار دارد، جذابیت این بازار تازه را تحت کنترل خود درآورد. وضع مالیات بر فرآیندهای مرتبط با نقل و انتقال، نگهداری و استخراج رمزارزهای جهان‌روا از جمله این سیاست‌های تأثیرگذار خواهد بود که علاوه بر حمایت از بازارهای مالی رسمی در صورت ایجاد رمزارز مبتنی بر فناوری بومی، به گسترش بهره‌برداری از آن نیز منجر خواهد شد.

ضمناً انجام وظیفه‌ی صحیح دولت در تنظیم‌گری رمزارزها می‌تواند به تضمین حقوق مالی اشخاص منجر شود (خداوردی و همکاران، ۱۴۰۲: ۶۷) و نه این که در این روند اختلال ایجاد نماید.

نتیجه‌گیری

یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در اقتصاد ایران بعد از انقلاب اسلامی، رابطه و تعامل دولت با بازار و نقش آن در تنظیمات اقتصادی ناشی از آن است که از پشتوانه‌ی حقوقی و پیش‌نیازهای قانونی برای امکان‌پذیر بودن و تسهیل امور نامبرده برخوردار است. با وجود این، ورود فضای سایبری، تجارت الکترونیک، فناوری رمزارز و پول دیجیتال به عنوان یک پدیده‌ی اقتصادی و مالی نوظهور، چالش‌ها و معضلاتی را برای اقتصاد و تجارت دولت‌ها و از جمله دولت ایران به وجود آورده است. اهمیت موضوع زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم قوانین مدون و کارآمد زیادی در این زمینه شکل نگرفته‌اند و در نتیجه با خلاء و نقص قانونی در زمینه‌ی سیاست‌گذاری قانونی و فرآیندهای تقنینی در این حوزه مواجه هستیم.

این در حالی است که با ارائه‌ی تعاریف صحیح و دقیق از فناوری رمزارزها و شناسایی آنها به عنوان نوعی سرمایه‌ی مالی همانند سهام، می‌توان قوانین کارآمدی را به خصوص در حوزه‌ی امور مالیاتی، تدوین نمود. این امر از سوء استفاده‌ی سفته‌بازان و سودجویان از رمزارزها جلوگیری می‌کند و با قانونی کردن و تحدید قانونی، فناوری رمزارزها را در قالب اقتصادی و مالی قرار می‌دهد. ضمناً با دقیق‌تر شدن قوانین مربوطه، امکان اجازه‌ی استفاده از مزایای این ارزهای مجازی به عموم مردم داده می‌شود. در نهایت باید گفت که در سایه‌ی چنین قوانینی، اقبال به همتای بومی این فناوری نیز بیشتر شده و نظارت بر رمزارزها به منظور جلوگیری از جرایمی مانند پولشویی که برای اقتصاد کشور زیان‌آور هستند، تسهیل می‌گردد.

منابع و مآخذ:

- احمدزاده بنزاز، سید عبدالمطلب؛ محمدی، مرتضی؛ مروارید، محمدرضا (۱۳۹۹)، «تأملی فقهی حقوقی در عین‌انگاری سهام شرکت‌های تجاری»، **آموزه‌های فقه مدنی**، شماره ۲۲، صص ۳۱-۵۹.
- امین‌زاده، سیدمحمد (۱۴۰۱)، «اجاره سهام در بازار سرمایه و تحلیل آن بر مبنای ماهیت سهام از منظر فقه و حقوق»، **آموزه‌های فقه مدنی**، شماره ۲۶، صص ۷۷-۱۰۱.
- انصاری، مرتضی (۱۳۸۷)، **مکاسب**، شرح: محی‌الدین فاضل هرندی، قم: بوستان کتاب.
- آذری، سکیه؛ افضلی، روح‌الله؛ تارم، میثم (۱۴۰۱)، «پدیده‌های نوظهور مالی (بیت کوین) از دیدگاه قرآن کریم و فقه امامیه»، ماهنامه **جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، شماره ۵، صص ۲۹۹۵-۳۰۱۶.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۶)، **ترمیم‌ولوژی حقوق**، تهران: نشر گنج دانش.
- حبیبی دهکردی، احسان؛ ابافت، رسول (۱۴۰۱)، «مواجهه فقهی حقوقی با رمزارزها در مسیر جهانی شدن-یک ضرورت»، **دانش حقوق مدنی**، شماره ۱۱، صص ۸۹-۱۰۰.
- حسینی، سیدشمس‌الدین و شفیعی، افسانه (۱۳۸۶)، «تعامل دولت و بازار و رویکرد تنظیم در اقتصاد ایران: تأملی در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی»، **فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی**، دوره ۱۵، شماره ۴۳، صص ۲۵-۶۰.
- خداوردی آرش، حسین؛ رضوی، محمد و منتظر، مهدی (۱۴۰۲)، «آسیب‌شناسی حقوقی تنظیم‌گری دولت در حوزه رمزارزها»، **پژوهش‌های نوین حقوق اداری**، سال پنجم، شماره چهاردهم، بهار ۱۴۰۲، صص ۶۷-۸۹.
- ربانی موسویان، سیدعلی (۱۳۹۹)، «مشروعیت رمزارزها از منظر فقه حکومتی و فردی»، **فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی**، سال شانزدهم، شماره شصت، تابستان ۱۳۹۹، صص ۵۳-۷۵.
- رجیبی، ابوالقاسم (۱۳۹۷)، «ارز مجازی: قانون‌گذاری در کشورهای مختلف و پیشنهادهایی برای ایران»، **مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی**، شماره مسلسل ۱۶۰۴۲.
- رحیمی، علی و امینی‌نیا، عاطفه (۱۴۰۰)، «رمزارزها، چالش‌ها و جرایم پیرامون آن»، **فصلنامه قانون‌یار**، دوره پنجم، شماره ۱۸، تابستان ۱۴۰۰.
- رحیمی، فتح‌الله و شریفیان، سحر (۱۳۹۹)، «موقعیت رمزارزهای دیجیتال در نظام ملی و بین‌المللی»، **نشریه حقوق فناوری‌های نوین**، بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره ۱، صص ۱-۲۲.
- رضازاده پاشا، عبدالله (۱۳۹۴)، **حقوق مدنی**، تهران: چتر دانش.
- روشن، محمد؛ مظفری، مصطفی؛ میرزایی، هانیه (۱۳۹۸)، «بررسی وضعیت فقهی و حقوقی بیت کوین»، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۷۸، صص ۷۸-۴۹.
- سیاه‌بیدی، سعید؛ رحیمی‌نیت، ایمان؛ ملک‌زاده، ریحانه (۱۳۹۶)، **حقوق کفبری اقتصادی**، تهران: انتشارات جنگل.
- شعبانی، امیر محسن؛ محسنی، محمد؛ ابراهیمی، سعید (۱۳۹۹)، «بررسی تطبیقی قانونی‌سازی بیت کوین»، **پژوهشنامه حقوق تطبیقی**، شماره ۵، صص ۲۳۸-۲۰۹.
- قوامی‌پور، محدثه؛ محمودی، امیررضا (۱۴۰۱)، چالش‌های حقوقی ارزهای دیجیتال با رویکردی بر بزه پولشویی»، **مطالعات حقوقی فضای مجازی**، شماره ۳، صص ۳۸-۵۳.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، **حقوق مدنی** (قواعد عمومی قراردادها)، تهران: شرکت بهمن برنا و شرکت انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، **حقوق مدنی** (نظریه عمومی تعهدات)، تهران: دادگستر.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، **مقدمه علم حقوق**، تهران: مجد.
- کریمی، محمدمهدی و پورمند، محمد (۱۳۹۸)، **مبانی فقهی اقتصاد اسلامی**، تهران: سمت.
- موسوی، سیدرضا (۱۳۹۸)، قانون مالیات‌های مستقیم، تهران: توازن.
- ناصری مقدم، حسین؛ بخردیان، داریوش؛ ارژنگ، اردوان (۱۳۹۲)، «بررسی روایی قبض در معاملات آتی بورس»، **آموزه‌های فقه مدنی**، شماره هشتم، صص ۴۹-۷۴.
- وایاس، نیک و همکاران (۱۳۹۸)، **بلاک چین و زنجیره تأمین**، مترجمین: عادل آذر و مصطفی جواد طلب، تهران: نگاه دانش.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۷۷)، **پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن**، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

منابع لاتین

- Bergstra, Jan & Weijland, Peter (2014), "Bitcoin: Money like informational commodity", University of Amsterdam, N. 1402.4778v1
- Bolotaeva, O. S. A. Stepanova and S. Alekseeva (2019), "The Legal Nature of Cryptocurrency", **IOP Conference Series: Earth and Environmental Science**, Volume 272, Issue 3, DOI: 10.1088/1755-1315/272/3/032166
- Bohme, Rainer & Christin, Nikolas & Edelman, Benjamin (2015), "Bitcoin: Economics, technology and governance", **Journal of economic perspectives**, pp. 213-38. DOI: 10.1257/jep.29.2.213
- Chohan, Usman (2017), **Assessing the differences in Bitcoin and other cryptocurrency legality across national jurisdictions**, UNSW Business School, Critical Blockchain research initiative (CBRI).
- Gerba, Eddie & Rubio, Margarit (2019), "Virtual Money: How much Cryptocurrencies alter the fundamental functions of Money", **Monetary Dialogue Papers**, ECON committee.

- Hakim das Neves, Rodrigo (2020), "Bitcoin pricing: impact of attractiveness variables, financial Innovation", **Springer**, Southwestern University of Finance and Economics, DOI: 10.1186/s40854-020-00176-3
- Hurtado, Patricia & Nesmith, Susannah (2016), "Bitcoin doesn't qualify as money", **Florida state judge rules**, Bloomberg law.
- Mauldin, John (2014), Is Bitcoin the future? Forbes.
- Nakamoto, Satoshi (2008), "Bitcoin: A Peer-to-Peer Electronic Cash System", **Bitcoin.org**
- Prasolov, Valeriy I. and Kolesnikova, Anastasia (2018), "Aspects of Crypto Currency's Legislative Regulation", **ARTÍCULOS UTOPIA Y PRAXIS LATINOAMERICANA**, 23, n° 82 (JULIO-SEPTIEMBRE), 2018, pp. 262-268.
- Suryadi, Pangi, Budianto, Azis (2022), **Money Laundering and Tax evasion resulting from Cybercrimes through Digital Currency**, University Borobudur.
- Yermak, David (2013), "Is Bitcoin a real currency?", **National bureau of economic research**, paper n.19747.